

اهرم ایران برای خاتمه جنگ



کوروش احمدی

دیپلمات پیشین

تجاوز غیرقانونی و متخلفانه آمریکا و اسرائیل در سه نوبت در ۱۵ ماه گذشته نشان داد که بازدارندگی فراسرزمینی، موشکی و هسته‌ای که ایران طی چند دهه برای جلوگیری از تجاوز فراهم کرده بود، مانع جنگ نشدند. اما با شروع جنگ، جغرافیای بی‌همتای ایران این بار نیز مانند هزاره‌های گذشته کارساز واقع شد و در کنار توان موشکی و پهپادی ایران، امکان مقاومت و ناکام‌گذاشتن متجاوزان در نیل به اهدافشان را فراهم کرد. سؤال بزرگ این است که اکنون سیاست طرفین این مناقشه چیست و راه خروج از بن‌بست موجود کدام است؟

برخی معتقدند ترامپ بعد از شکست در نتیجه‌گرفتن از جنگ، اکنون الگوی ریگان در ارتباط با شوروی را در پیش گرفته و امیدوار است از طریق محاصره دریایی و تحریم‌های بیشتر نتیجه بگیرد. ترامپ همچنین تصور می‌کند که با تبلیغ روی سرسخت و مذاکره‌ناپذیربودن ایران می‌تواند دو جناح در آمریکا و در دولتش (جناح ونس و جناح روبیو) را به هم نزدیک کند و از فشار مخالفان جنگ در داخل بکاهد. برای این منظور، ترامپ روی ادامه محاصره اقتصادی و «عملیات طرد اقتصادی ایران» حساب می‌کند. در روزهای گذشته نیز برخی از مقامات رسمی در داخل ایران از دشوارشدن شرایط سخن گفته‌اند. در چارچوب عملیات طرد، قصد آمریکا این است که از تحریم نهادها و افراد ایرانی فراتر رفته و کشورها، شبکه‌ها و نظام‌های مالی خارجی طرف معامله با ایران را هدف قرار دهد. در این زمینه، اخیراً فشار برای بستن راه‌های دسترسی ایران به دلار نقد نیز بیشتر شده است. به‌علاوه، آمریکا بر تلاش‌های خود در راستای افزایش مقررات تحریمی، اجرای تهاجمی‌تر این مقررات و تلاش برای اثربخش‌ترکردن تحریم‌ها افزوده است.

از آنجا که ادامه محاصره اقتصادی با ادامه مسدودبودن تنگه هرمز کارساز نیست، آمریکا طی چند ماه اخیر تلاش‌هایی برای انتقال نفت از تنگه انجام داده است. شواهدی وجود دارد که برای این منظور آمریکا طرف چند ماه گذشته کوشیده است تا یک راه قدیمی موسوم به تنگه فک‌الاسد در آب‌های داخلی عمان و در فاصله بین جزیره مسندم و شبه‌جزیره مسندم را که تا ۱۹۷۹ کل ترافیک تنگه هرمز از آن انجام می‌شد، دوباره فعال کند. ادعای عبور حدود ۱۵ میلیون بشکه نفت از «مسیر تاریک» در تنگه به اضافه نفت انتقالی از دو خط لوله عربستان و امارات اگر درست باشد، تحول مهمی است. باقی‌ماندن بهای نفت در حوالی ۹۰ دلار که برای ترامپ قابل قبول است، با وجود وضعیت دو تنگه هرمز و باب‌المندب و ریسک‌های ژئوپلیتیک شاخص مهمی است. این احتمال نیز منتفی نیست که برخورد‌های نظامی موردی و محدودی مانند حمله پکنشین‌شب به جزیره لارک ادامه یابد.

اهرمی که ایران برای به‌هم‌ریختن محاسبات آمریکا در دست دارد، وضعیت بی‌ثبات و پرتنش در ارتباط با تنگه هرمز و باز نگه‌داشتن آن است، وضعیتی که می‌تواند ماه‌ها ادامه داشته و مزاحم برنامه‌های ترامپ برای سیاست داخلی، ازجمله انتخابات آبان باشد. همچنین نگرانی آمریکا اکنون باید اقدامات تهاجمی از سوی ایران برای شکستن محاصره اقتصادی که فی‌نفسه در حکم اعلام جنگ است، باشد. و این یعنی ادامه بن‌بست و بلاکلیف‌ی و جنگ اراده‌ها و ادامه بی‌ثباتی در تنگه و در بازار نفت و الزام ترامپ به نگه‌داشتن یک نیروی نظامی بزرگ در منطقه که برای او هزینه سیاسی و اقتصادی دارد. ایران نیز قطعاً با عواقبی از تاحیه تحریم و محاصره دریایی مواجه خواهد بود، اما تجربه کشورهایی مثل کره شمالی (با وجود تفاوت زیاد ایران و کره شمالی) نشان داده است که امکان دوام در شرایط تحریم، با وجود هزینه‌های سنگین، وجود دارد. اما تحمل بی‌ثباتی برای ترامپ با توجه به جو سیاسی متفاوت در آمریکا دشوارتر خواهد بود.

در حالی که از ابتدا تردیدی در منافع یادداشت تقاهم برای ایران وجود نداشت و تفسیر حداکثری از مواد ۵ و ۵ آن موجب فروپاشی آن شد، اکنون نباید تردید داشت

که بازگشت به آن تقاهم به سود ایران است. بخشی در حاکمیت نیز آشکارا خواستار بازگشت به آن هستند.

سه شنبه ۱۰ شهریور ۱۴۰۵
۱۹ ربیع‌الاول ۱۴۴۸
۱ سپتامبر ۲۰۲۶
سال بیست‌وسوم
شماره ۵۴۶۳
۴۰ هزار تومان
۸ صفحه

روزنامه

در «شرق» امروز می‌خوانید:

چشم‌اندازی به حاشیه • نامی نو، جایی نو/ حسین قلی‌خانی • انباشت ایده در مدار هیچ

روایت «شرق» از دور تازه تنش‌ها میان تهران و واشینگتن هم‌زمان با تداوم سیاست فشار اقتصادی ترامپ

پازل جنگ و تحریم



این گزارش ازدر صفحه۲بخوابید.عکس:ایرانکام/اطلاعات سیاسی/خادرات‌جهموری

فراتر از یک اجلاس؛ چرا سفر پزشک‌یان به قرقیزستان نقشه جدید «اکوسیستم تجاری» ایران را ترسیم می‌کند؟

بیشکک؛ میدان تازه دیپلماسی ایران

یادداشت

تورم و ننه جون

دست غریبه‌ای در یک جیب، شهادی در جیب دیگر



امیر نیک‌رویان

روزنامه‌نگار

۱٫۳۸ میلیون بشکه نفت به چین، بخشی از این شریان مالی است. اگر اقتصادی در میانه جنگی تمام‌عیار می‌تواند مسیر تورم خود را تغییر دهد، پس نرخ‌های دورقمی و مزمن تورم در ایران را نمی‌توان صرفاً با متغیرهای خارجی توجیه کرد. ریشه این تورم را باید در مناسبات اقتصاد سیاسی داخل جست‌وجو کرد. در حد فاصل یک بحران خارجی تا گرانی نان، زنجیره‌ای از کسری بودجه و سیاست‌های پولی تورم‌زا نهفته است. این همان سازوکاری است که میلتون فریدمن از آن با عنوان «مالیات بدون قانون‌گذاری» یاد می‌کند؛ مالیاتی پنهان که دولت‌ها برای برداشتن آن از جیب شهروندان نیازی به مصوبه مجلس ندارند. جان مینارد کینز یک قرن پیش دقیق‌تر هشدار داده بود که فرایند مداوم تورم، ثروت جامعه را پنهانی و خودسرانه بازتوزیع کرده و با شبهه‌ساختن ثروتمندشدن به «قمار و بخت‌آزمایی»، اعتماد به عدالت اقتصادی را متلاشی می‌کند. دردناک‌ترین

یادداشت

روباه یا خارپشت؟



حسین چقگو

کارشناس اقتصادی

«نه؟ این پرسش اگرچه چند ماه قبل از وقوع دو جنگ تجاوزکارانه ۱۲اروزه و ۴۰روزه طرح شد، اما پرسشی است که پاسخ به آن از اولویت حیاتی برخوردار است. اینکه برنامه‌مان برای آینده چیست و راه توسعه کشور از کدام مسیر می‌گذرد؟ سؤالی که دکتر بهکیش، استاد برجسته اقتصاد اخیراً در مطلبی در روزنامه دنیای اقتصاد خطوط اصلی آن را تبیین کرده است. او از سه الگوی توسعه آمریکایی، اروپایی و چینی نام برده و خصوصیات هر یک را برمی‌شمرد و می‌پرسد که کدام‌یک از این سه مدل تاریکی از آنها برای ایران با توجه به تاریخ، فرهنگ و ساختار سیاسی کشورمان فایده بیشتری دارد. مدل آمریکایی، رقابتی‌ترین مدل است که بخش خصوصی نقش اصلی را در آن دارد و مزیت اصلی آن تشویق به کارآفرینی و سرمایه‌گذاری و نوآوری است، اما ضعف آن سیستم نابرابری درآمد‌هاست و آموزش و پرورش گران. مدل اروپایی، رقابتی با جاشنی عدالت اجتماعی است؛ شرکت‌ها همچنان خصوصی‌اند اما مردم از خدمات عمومی گسترده بهره‌مند می‌شوند. و مدل چینی، الگوی اقتصاد رقابتی در چارچوب حکمرانی متمرکز است که نشان داده رشد اقتصادی الزاما به الگوی سیاسی واحدی وابسته نیست. انشان در جمع‌بندی مطلب خود می‌نویسد: «اگر بخواهیم سه الگو را در یک جمله خلاصه کنیم، آمریکا به ما قدرت رقابت و نوآوری را نشان می‌دهد، اروپا اهمیت عدالت اجتماعی را یادآوری می‌کند و چین ضرورت ثبات، برنامه‌ریزی بلندمدت و توسعه تجاری و صنعتی را یادآور می‌شود. هر سه الگو، روابط گسترده بین‌المللی را سرلوحه توسعه خود قرار داده‌اند و رشد اقتصادی را در توسعه صادرات کالا و خدمات متمرکز کرده‌اند» (دنیای اقتصاد-۱۴۰۵/۵/۶/۴).

حسن خادم

در دفتر نخست‌وزیری

۶

برگزیده‌ها

چین و روسیه، شانکهای را نماد جهان چندقطبی می‌خواهند اما رقابت اعضا انسجام آن را محدود کرده است

اتحاد بدون هم‌گرایی

«شرق» از ناکارآمدی سیاست‌های کاهش مصرف بنزین و دلایل آن گزارش می‌دهد

مقصر ناترازی سوخت؛ دولت‌ها یا مردم؟

گزارش «شرق» از مصوبه جدید مجلس و محدودیت انجام فعالیت‌های علمی

بن‌بست آکادمیک

شکل‌های زندگی: درباره «لولیا» نوشته احمد هاشمی

تأملات دهه شصت

پیمان مکه وارد مرحله اجرائی شد

نگاه

وقتی کوه و یخچال تبدیل به موج می‌شوند

سونامی از آسمان

یادداشتی از کامران امامی

یادداشت

اقتصادیات نفوذستیزی



ناصر ذاکری

کارشناس اقتصادی

امروزه مبحث نفوذ و نفوذستیزی از سرفصل‌های مهم مورد توجه در امر کشورداری است و همه کشورها به‌گونه‌ای ناگزیر از پرداختن به این مباحث و انتخاب شیوه‌های بیگانگان برای نفوذ در ساختار تصمیم‌سازی سنجیده مقابله با نفوذ دشمنان و عوامل بیگانه هستند. نفوذ را در سطوح مختلفی می‌توان تصویر و تصور کرد. استفاده از عناصر نفوذی یا افراد فریب‌خورده برای گردآوری اطلاعات مهم یکی از مقدماتی‌ترین شیوه‌های نفوذ است. در سطحی دیگر می‌توان از تلاش بیگانگان برای نفوذ در ساختار تصمیم‌سازی کشور صحبت کرد. در این سطح دشمن تلاش می‌کند دولتمردان و سیاست‌گذاران کشور هدف را به انتخاب سیاست و اقدامی وادار کند که بیشترین منافع را به او می‌رساند. علاوه بر این، می‌توان از نفوذ فرهنگی نیز سخن گفت. در این نوع نفوذ، دشمن تلاش می‌کند طرز فکر و نگرش خاصی را در جامعه هدف رواج بدهد؛

نگرشی که در بلندمدت مسیر سیاست‌گذاری را به نفع او تغییر خواهد داد. مقابله با نفوذ در هر یک از سطوح سه‌گانه، شیوه‌های خاص و متفاوت خود را طلب می‌کند. اما همه این شیوه‌های مقابله از یک نظر شباهت تام به هم دارند و آن، این است که باید هزینه‌های اجرای آن شیوه در مقایسه با دستاوردها و عوایدش از توجه اقتصادی قوی برخوردار باشد. به‌عنوان یک مثال ساده، هدف جلوگیری از ورود افراد غیرمجاز به یک محوطه را می‌توان با نصب دوربین‌های امنیتی یا دروازه‌های بازرسی محقق کرد، اما باید ارزش این دستاورد را با هزینه نصب و نگهداری تجهیزات مقایسه کرد. همین نکته کلیدی اهمیت پرداختن به مبحث اقتصادیات نفوذ و نفوذستیزی را آشکار می‌کند. طرحی که چندی پیش با عنوان طرح مقابله با نفوذ بیگانگان برای بررسی و تصویب به مجلس ارائه شده و بسیاری از اصحاب رسانه و سیاستور را وادار به پاسخ‌گویی و نقد و بررسی کرده نیز با همین رویکرد قابل نقد و بررسی است.

📄 ادامه‌در صفحه ۶

📄 ادامه‌در صفحه ۶
